



درس‌هایی از مردم‌داری امام صادق(ع) در عصر تضارب آراء

وسعت انسانیت در اندیشه امام صادق(ع)، در دل و نحوه مردم‌داری او قابل مشاهده بود.

وسعت انسانیت در اندیشه امام صادق(ع)، در دل و نحوه مردم‌داری او قابل مشاهده بود. ایشان به بدعت گذاران و ملحدانی که در کنار کعبه نشسته و افکار تند و تیزی علیه اسلام داشتند گوش فرا می داد و با سخنان پسندیده، آداب حکیمانه و برهان محکم، با آن‌ها سخن می گفت.

به گزارش ایکنای به نقل از برائنا، شیخ محمد ربیعی، محقق عراقی در یادداشتی نوشت: سیره امام جعفر صادق(ع) از این جهت متمایز است که در سخاوتش، شگفت انگیز بود زیرا شرایطی که در آن زندگی می کرد شرایط نزاع بین بنی امیه و بنی عباس بود و خلفا از هر دو طیف همانطور که پیش از این مرسوم بود بر امام و پدر بزرگوار ایشان فشار می آوردند، به همین جهت امام صادق(ع) توانست تمام واقعیت اسلامی را با مسائل فکری، اعتقادی و فقهی پوشش دهد و حتی مردم را در مفاهیم مرتبط با انسان و زندگی به حرکت و پویایی وادارد تا جایی که علومی وجود داشت که رایج نبود، یا برای امثال امام صادق(ع) مطرح نبود، از جمله «علم شیمی» حتی جابر بن حیان از امام صادق(ع) به عنوان الهام بخش نقل می کند و کتاب های شیمی جابر بن حیان هنوز در دانشگاه های غربی به عنوان نظریه های شیمی پیشرفته تدریس می شود.

مردم‌داری امام جعفر صادق(ع) و روی باز به واقعیت

ما نمی توانیم از تمام میراث دایرةالمعارفی که امام داشتند صحبت کنیم، تا جایی که الان برای مفهوم آزادی، و عزت در ابعاد سیاسی و اجتماعی آن در حرکت انسان در زندگی در مواجهه با چالش‌ها، پاسخ‌های زیادی می یابیم و نمی توانیم این ثروت دایرةالمعارفی باقی مانده از امام را که جهان اسلام را غنی کرده است، درک کنیم. کسانی که از امام صادق(ع) احادیث نقل کردند و از او آموختند، چهار هزار نفر بودند که هر کدام در مقام یک استاد بودند.

گفته شده شخصی وارد مسجد کوفه شد آن زمان در همه مساجد اساتید می نشستند و در حلقه های علمی از شاگردان استقبال می کردند. این شخص می بیند ۹۰۰ استاد در حال مناظره است و هرکدام ابتدای سخن خود می گوید «جعفر صادق(ع) به من گفت...» امام صادق از همه مردم استقبال می کرد و تعصب در آن زمان در حدی نبود که مسلمانان از یکدیگر جدا شوند یا در مساجد خود اختلاف نظر داشته باشند که اینجا مسجد شیعه است و آن مسجد اهل سنت و اختلاف بین مکاتب هم نبود که این مکتب شیعیان است و این مکتب اهل سنت است، برعکس، مکتب امام صادق(ع) همه مردم را با توجه به اختلافات فرقه ای خود پذیرفته است و می دانیم که ابوحنیفه، صاحب مکتب حنفی از شاگردان این مکتب بوده و می گوید: اگر شاگردی مکتب امام صادق(ع) را نمی کرد قطعاً نعمان هلاک شده بود و از او پرسیده بودند فقیه ترین فرد از نظر تو کیست و او به امام صادق اشاره و اینگونه استنباط می کرد که «داناترین مردم کسی است که مردم زمانش را بهتر از همه بشناسد و امام صادق داناترین فرد نسبت به مردم زمان خود است چون تمام اختلافات امت اسلام را می شناخت، پس وقتی نزد ایشان می آمدم می فرمود: شما این را می گوید و گروه دیگر اینگونه می گویند. امام، به همه چیز در واقعیت اسلامی، یعنی اختلافات فرقه ای، فقهی، کلامی و مانند آن علاقه مند بود.»

از مالک بن انس، امام مکتب مالکی روایت شده است که فرمود: «چشم من در فضیلت و علم و تقوا بهتر از جعفر بن محمد را ندیده است». برخی از قضات مکتب حنفی، یعنی «ابن ابی لیل» می گویند: من نمی توانم از هیچ یک از عقاید خود صرف نظر کنم و به دیگران فتوا دهم، مگر اینکه فتوا از جعفر بن محمد صادق باشد. در این صورت از آن صرف نظر می کنم و بر اساس آن فتوا می دهم.» از این رو امام صادق(ع) در مکتب خود به روی واقعیت اسلامی گشوده رو بود و با دیدی باز پاسخگوی مردم بود و در امور کوچک و بزرگ پاسخگوی آنها بود.

امام جعفر صادق(ع)؛ دانشنامه زمان

اگر احادیث امام صادق(ع) را مطالعه کنیم، درمی یابیم که همه مصطلحات اسلامی را در بر می گیرد و به مسائلی که در آن زمان در اسلام مطرح می شد نیز مسلط بوده است. به طوری که او با مسائل زمان خود زندگی می کرد و از واقعیت جدا نبود. وقتی مسائلی در کلام، فقه یا مسائل کلی مطرح می شد، امام(ع) از علم خود می فرمود که چه چیزی این مشکل را حل می کند و چه چیزی این یا آن موضوع را روشن می کند. ایشان در هر کاری که با آن مواجه می شدند دایرةالمعارفی عمیق بودند و ما معتقدیم علمایی که وارث امام صادق(ع) هستند باید در رویارویی با تمام مشکلات پیش رو عمیق برخورد کنند، زیرا امام در این مسیر حرکت کردند که او حجت بر مردم بوده و باید از دانش خود آنها را سیراب می کرد، اندیشه و علم او حجت بر هر اندیشه

اسلامی است و علما نیز در هر زمان و مکانی نمی توانند خود را نسبت به چالش های فکری پیش روی مسلمانان، منزوی کنند و نه می توانند خود از مسائل عمیق مربوط به امت اسلام روی برگردانند و نه می توانند خود را از واقعیت پنهان کنند یا بر اثر ضربه هایی که کفر و حامیان آن ها به دین وارد کنند، متزلزل شوند.

در حدیثی که از امام صادق(ع) از رسول خدا(ص) نقل شده است که «اگر بدعت هایی در امت من ظاهر شد، عالم، علم خود را آشکار کند. هر کس این کار را نکند، لعنت خدا بر او خواهد بود، چه بدعت های فلسفی، چه بدعت های اجتماعی یا مانند آن.» رسالت تقریب بین مسلمانان

این است که علما وقتی وارثان انبیاء هستند باید مانند انبیاء در میدان بایستند و با شجاعت تمام وارد واقعیت نزاع شوند. زیرا سؤالات بی پاسخ شبهات و مشکلاتی به وجود می آورد، هر سؤالی بدون راه حل در ذهن انسان، پیچیدگی و مشکل ایجاد و ایمان را تضعیف می کند. امام صادق(ع) در عین حال تلاش می کرد که شیعیان اهل بیت(ع) از واقعیت اسلامی منزوی نشوند و خواستار ادغام آنها در جامعه اسلامی بود تا اختلاف در فرقه را وسیله جدایی از سایر مسلمانان قرار ندهد. برخی از یارانش به او می گفتند: با یاران و قوم خود که از نظر اعتقادی با آنها اختلاف داریم چه کنیم؟ می فرمود: «مریضانشان را عیادت کنید و در تشییع جنازه ایشان شرکت کنید و در مساجدشان نماز بخوانید» و شیعیان خود را نصیحت می کرد و می فرمود: «مایه شکوه و زینت ما باشید نه خواری و سرافکندگی ما».

علی رغم همه اختلافات شدید فرقه ای، امام صادق(ع) نمی خواست مسلمانان از یکدیگر جدا شوند؛ واقعیتی که امروز به آن دچار شده ایم، یعنی مساجد شیعی که سنی ها در آن جایی نداشته باشند یا مساجد اهل سنت که در آن شیعیان جایی ندارند، به طوری که فرقه گرایی رخ داده، ما به مرحله ای رسیده ایم که افراد یک فرقه، افراد فرقه دیگر را کافر می دانند. امام صادق(ع) اهمیت پایبندی به آنچه را که به آن اعتقاد دارند به مردم تأکید می کرد، زیرا مسئله آمیختن فکر خود با فکر دیگران به این معنا نیست که از روی ادب از فکر خود دست بکشید. یا وحدت اسلامی به این معنا نیست که شما از فکر خود دست بکشید، بلکه به این معناست که شما با مسلمانان دیگر از طریق اسلام متحد شوید. اختلاف؛ منشأ عقب ماندگی

شاید مشکلی که باعث شده مسلمانان در تمام قرن ها عقب مانده بمانند، همین جدایی علمای مسلمان، جدایی بین مکاتب فکری مسلمانان و جدایی بین مساجد مسلمانان باشد. به مرحله ای رسیدیم که نمی توان سرنوشت مسلمانان را از هم جدا کرد تا شیعیان سرنوشت دیگری داشته باشند، اگر مسلمانان شیعه دچار مشکل شوند اهل سنا خود را نگران این مشکل نمی دانند و اگر مسلمانان سنی به مشکلی مبتلا شوند، شیعیان خود را مبتلا به آن نمی بینند، حتی اگر در موضع شیعه و در موضع سنی، اسلام مورد حمله قرار گیرد.

ما در واقعیتی که در آن زندگی می کنیم مشاهده می کنیم که استکبار جهانی در مقابل مجاهدین چه سنی و چه شیعه می ایستد. زیرا استکبار شروع می کند به اینکه اسلام در جامعه نیرویی نداشته باشد و نمی خواهد اسلام منافع، جاه طلبی ها و امتیازاتش را به چالش بکشد و مسئله همین است. ما در حالت عقب ماندگی زندگی می کنیم که در خلوت خود خفه می شویم و نمی توانیم یکدیگر را متقاعد کنیم. چرا؟ نه به این دلیل که بحثی نداریم که بتوانیم گفت و گو را از آن آغاز کنیم، بلکه به این دلیل که قلب هایمان از همدیگر نفرت دارد، زیرا مسلمان، دشمن مسلمان است و مسلمان نسبت به مسلمان نفرت دارد. سخاوت امام صادق(ع)

امام صادق(ع) بر مفاهیم خود که نشان دهنده خط اهل بیت(ع) در شعور و وجدان هستند تأکید می کرد. از پیروان و شاگردانش می خواست که اندیشه خود را در کل جامعه اسلامی جاری کنند تا اندیشه های مختلف اسلامی در عرصه های وسیع اسلامی راه بیافتد. این چیزی است که ما از امام صادق(ع) می آموزیم و آنچه از ایشان می آموزیم بسیار است.

ما از گشاده رویی و احساس مسئولیت او باید بیاموزیم که در برابر بدعت گذاران و ملحدانی که در کنار کعبه نشسته و افکار تند و تیزی علیه اسلام و مسلمانان داشتند گوش فرا می داد و با سخنان پسنندیده، آداب حکیمانه و برهان محکم، با آن ها سخن می گفت. زیرا وسعت انسانیت در اندیشه امام صادق(ع)، در دل، در نحوه برخورد او و در مردم داری او حتی کسانی که در اندیشه با آنها اختلاف داشت قابل رؤیت بود.

باید از امام صادق(ع) و از پدران و فرزندانش بیاموزیم که نهضت فرهنگی، سیاسی و معنوی ما را غنا می بخشند... مهم این است که ما در جهت یادگیری گامی برداریم اگر نمی توانیم یاد بگیریم که چگونه می توانیم با هم ملاقات کنیم یاد بگیریم که چگونه با هم به خوبی مخالفت کنیم.